

بدرود پسر صحرا

■ محمد جواد مکتبی

در روستای قانقرمه شهرستان آق‌قلا، کودکی چشم به جهان گشود که روزی نامش بر تارک والیبال ایران درخشید. صابر کاظمی، پسر صحرا، با قامت رشید و چهره معصومش از همان نوجوانی رؤیای بزرگی در سر داشت. رؤیایی که برای بسیاری دست‌نیافتنی بود. او از دل روستا برخاست، اما در زمین‌های بزرگ والیبال، چنان درخشید که نامش به سرعت بر زبان‌ها افتاد.

تکنیک بی‌نظیر صابر، پرش‌های بلند، و قدرت انفجاری‌اش او را به یکی از درخشان‌ترین چهره‌های نسل جدید والیبال ایران بدل کرد. با پیراهن تیم ملی، با هر امتیاز، فریاد شادی از دل تماشاگران برمی‌خاست. او نماینده‌نلسی بود که ایمان داشت با تلاش، می‌توان از هر گوشه‌ای از این سرزمین به اوج رسید.

اما تقدیر، گاهی بی‌رحمانه است. ۱۴ آبان، روزی که قرار بود همچون همیشه با تمرین سیری شود، به کابوسی تلخ بدل شد. صابر کاظمی، د دچار عارضه مغزی شد و قلب ورزش ایران شکست. خبر درگذشت این ستاره جوان در ۲۶ سالگی، جامعه ورزش را در بهت و اندوه فرو برد.

در روز بدرقه، مردمان صبور ترکمن صحرا، با لباس‌های سنتی، چشمانی اشکیار و دلی شکسته، فرزند رشید خود را تا خانه ابدی‌اش همراهی کردند. پیکر صابر، در میان ناله‌ی بادهای صحرا آرام گرفت؛ همان‌جا که روزی از آن برخاسته بود. زمزمه‌ها از مهربانی‌اش، لبخند ساده‌اش و تواضع مثال‌زدنی‌اش میان مردم پیچید. او نه فقط یک قهرمان ورزشی، بلکه الگویی از تلاش، صداقت و نجابت بود

صابر کاظمی، لژیونر تیم الریان قطر، تنها چند روز از آغاز فصل جدید زندگی ورزشی‌اش گذشته بود. آینده‌ای درخشان پیش رویش بود و بسیاری او را از امیدهای بزرگ تیم ملی می‌دانستند. اما زندگی، فرصت تداوم این درخشش را نداد. آنچه باقی ماند، خاطره‌ی جوانی است که با تمام وجود جنگید، لبخند زد، و دل‌ها را فتح کرد.

اکنون در سکوت صحرا، در هياهو بادهای بی‌قرار، نام صابر کاظمی همچنان زنده است. هر بار که توپ والیبال از زمین برمی‌خیزد و فریاد شادی از سکو‌ها بلند می‌شود، انگار او دوباره میان ماست. پسر صحرا رفت، والیبال ایران، ستاره‌ای جوان را از دست داد، اما یاد پر افتخار او برای همیشه در دل مردم گلستان و ایران جاودانه خواهد ماند. روح صابر در کنار میکائیل بلمه، غیاث‌الدین صحنه و خوش گلدی صحنه در آرامش و عمر فرهاد قائمی و سردار آزمون به بلندای آفتاب طولانی باد.

محمد جواد مکتبی



دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۱۹ الی ۱۴-میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

یادداشت اول

درباره دیدار استاندار با وزیر کشور

■ بامسئولیت سر دبیر

در دیدار اخیر علی‌اصغر طهماسبی استاندار گلستان با اسکندر مومنی وزیر کشور، به بررسی مسائل توسعه‌ای این استان پرداخته شد. به نظر می‌رسد گلستان با داشتن ظرفیت‌های طبیعی و موقعیت مرزی خود، از پتانسیل‌های فراوانی برای پیشرفت برخوردار است. اما سوال اینجاست که آیا این ظرفیت‌ها صرفاً به عنوان یک شعار در سطح مقامات باقی می‌ماند یا واقعاً راهکارهای عملی برای بهره‌برداری از آن‌ها ارائه خواهد شد؟ بر اساس خبر منتشر شده از این دیدار، وزیر کشور در این دیدار ضمن تأکید بر آمادگی وزارت کشور برای پشتیبانی از برنامه‌های توسعه‌ای گلستان، اظهار داشت که استان می‌تواند به عنوان الگوی مدیریت متوازن منطقه‌ای شناخته شود. اما آیا در شرایط کنونی کشور، با توجه به بحران‌های اقتصادی و مدیریتی، چنین وعده‌هایی قابل تحقق هستند؟ وزیر کشور از رویکرد مسئله‌محور استان استقبال کرده است، اما این باید در عمل و در قالب برنامه‌های مشخص و زمان‌بندی‌شده نمایان شود. استاندار گلستان نیز در این نشست بر ضرورت هم‌افزایی ملی برای رفع چالش‌های زیرساختی استان و تسریع در پروژه‌های اولویت‌دار تأکید کرد. موضوعاتی چون ارتقای شاخص‌های امنیت اجتماعی و تقویت فرمانداری‌ها نیز از دیگر محورهای مورد بحث در این دیدار بودند. از آنجا که گلستان به عنوان استانی مرزی، با مسائل امنیتی و اقتصادی خاصی روبروست، این مسائل نیاز به توجه ویژه دارند. اما آیا این مسائل تنها با وعده‌های مدیران به نتیجه خواهند رسید یا نیاز به تغییرات عمیق‌تری در سیاست‌گذاری و تخصیص منابع دارند؟ یکی از نکات قابل توجه در این دیدار، عدم ارائه طرح‌های مشخص و اجرایی از سوی استاندار بود. به نظر می‌رسد که بیشتر به وعده‌های عمومی و کلی اکتفا شده است.

شرکت مشاوران
ارزش طرح نوآر
مشاوران

آگهی مزایده شماره ب-۱۴۰۴

شرکت مدیریت سامان سازه غدیر (شرکت املاک مخابرات) به نمایندگی از شرکت مخابرات ایران (سهامی عام) در نظر دارد تعدادی از املاک خود در استان گلستان را در مزایده عمومی به فروش رساند.

ردیف	آدرس ملک	پلاک ثبتی	عرضه (مترمربع)	ایمن (مترمربع)	نوع ملک	نوع کاربری	سند مالکیت	قیمت پایه مزایده	نویسندگان
۱	تهران ای-۱۰ - روستای نور علی آباد - دهستان جعفری - دهک جعفری	۱۲/۸۶۱	۲۳۹۲	۰	روستایی	اداری	تک برگ	۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
۲	گلستان - دهک دهانی برون کد (زمین آبی رودخانه)	۱/۲۸۶۷	۳۰۰۰	۰	روستایی	زراعی	صلحنامه رسمی	۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	فروش به صورت وکالتی می باشد
۳	استان - کوچه دهک دهانی برون کد (زمین آبی رودخانه)	۱/۳۲۱۰	۷۷۹	۰	شهری	تأسیسات شهری	تک برگ	۳۱,۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰	
۴	کد کاوس - روستای ملاطی - دهک دهانی	۳۳/۳۱۹۳	۱۱۸۸/۵۰	۱۰۰	روستایی	اداری	تک برگ	۲۰,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
۵	کد کاوس - روستای دهک دهانی - دهک دهانی	۵/۶۲۵	۲۰۰۰	۹۰	روستایی	اداری	تک برگ	۴۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
۶	کد کاوس - روستای دهانی - دهک دهانی	۱۰۸۳	۲۰۰۰	۱۳۰	روستایی	اداری	تک برگ	۴۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
۷	شهرستان آق‌قلا - روستای باغی - دهک دهانی	۴/۳۷۸	۱۵۱۷/۷	۴۷	روستایی	تأسیسات و تجهیزات	تک برگ	۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	

متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به سایت شرکت مخابرات ایران به آدرس tci.ir و پرتال مخابرات منطقه گلستان به آدرس go.tci.ir مراجعه فرمایند.

مهلت دریافت اسناد مزایده: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۱۲ لغایت ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۸/۲۶

محل دریافت اسناد مزایده: شهرداری - ویروی دادگستری - ساختمان مرکزی مخابرات منطقه گلستان

شماره تماس: ۰۱۷-۳۲۲۴۱۴۴۱

رویای المپیک صابر نیمه کاره ماند

جلسه تمرینی، دچار ایست قلبی بیش از ۱۰ دقیقه شد و به کمای عمیق فرو رفت. پزشکان قطری بلافاصله مرگ مغزی را اعلام کردند اما با اصرار خانواده، او با پرواز ویژه به بیمارستان پیامبران تهران منتقل شد که با وجود تلاش‌های تیم پزشکی ایران شامل دیالیز کلیه‌ها و حمایت قلبی-ریوی با دستگاه، عملکرد مغز او قابل بازگشت نبود.

در پی این حادثه تلخ، نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان در پیامی با ابراز تأسف عمیق نوشت: مرحوم صابر کاظمی با تلاش، پشتکار و رفتار شایسته، نامی نیک از خود بر جای گذاشت. در پیام آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی آمده است: فقدان این بازیکن والیبال، ضایعه‌ای برای خانواده، جامعه ورزشی و مردم گلستان به‌ویژه برادران و خواهران اهل سنت است. استاندار گلستان نیز در پیامی تأکید کرد: صابر کاظمی با کوشش حرفه‌ای و تعهد ورزشی، افتخاری برای استان بود و امروز گلستان یکی از ستارگان درخشان خود را از دست داد. علی‌اصغر طهماسبی این ضایعه را به خانواده کاظمی، هم‌استانی‌های ترکمن و جامعه ورزش کشور تسلیت گفت و برای مرحوم رحمت و برای بازماندگان صبر مسئلت نمود.



والیبال در مناطق محروم استان تأکید کرد. با همه این افتخارات، مسیر حرفه‌ای صابر کاظمی بدون چالش نبود. تابستان پارسال او به دلیل اختلاف با فدراسیون والیبال، با محرومیت دوساله و جریمه مالی مواجه شد اما پس از عذرخواهی و تعهد به فعالیت‌های توسعه‌ای در گلستان، این محرومیت تعلیق گردید. حادثه تلخ برای کاظمی ۲۵ مهر امسال رخ داد او فقط ۶ روز پس از امضای قرارداد با الریان قطر، مدافع عنوان قهرمانی باشگاه‌های آسیا در استخر هتل تیم در دوحه پس از

امتیازآورترین بازیکن غیراروپایی شناخته شد و در المپیک ۲۰۲۰ توکیو نیز در فهرست تیم ملی حضور داشت. کاظمی در سطح باشگاهی، برای تیم‌هایی چون فولاد سیرجان ایرانیان، زراعت بانک آنکارا (ترکیه)، کوزناس کمرو (روسیه) و الریان قطر بازی کرد و دو بار ارزشمندترین بازیکن لیگ برتر ایران شد و به عنوان بهترین سرویس زن آسیا انتخاب گردید. در سطح استانی، کاظمی به عنوان یکی از قهرمانان محلی گلستان، الهام‌بخش جوانان ترکمن صحرا بود و بارها بر توسعه

صابر کاظمی، پشت‌خطزن برجسته تیم ملی والیبال ایران و بازیکن گلستانی باشگاه الریان قطر، در ۳۶ سالگی بر اثر مرگ مغزی درگذشت و جامعه ورزشی کشور را در غم و اندوه فرو برد. به گزارش ایرنا، کاظمی، متولد سوم دی ۱۳۷۷ در روستای قانقرمه از توابع شهرستان آق‌قلا و از اهالی قوم ترکمن بود و از استعدادهای درخشان والیبال ایران به شمار می‌رفت و با قد ۲۰۵ سانتی‌متری و قدرت ضربات دست چپ، به سرعت به یکی از مهاجمان کلیدی تیم ملی تبدیل شد و افتخارات متعددی را برای کشور به ارمغان آورد. صابر در خانواده‌ای متوسط و با حمایت والدینش از سنین کودکی به ورزش والیبال روی آورد و استعداد او در رده‌های پایه استان گلستان کشف شد تا این‌که در ۱۸ سالگی برای نخستین بار به اردوی تیم ملی بزرگسالان دعوت شد. کارنامه حرفه‌ای این والیبالیست گلستانی مملو از دستاوردها و افتخار است. وی در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا نقش کلیدی در کسب مدال طلای والیبال ایران ایفا کرد و در قهرمانی آسیا ۲۰۲۱، عنوان ارزشمندترین بازیکن (MVP) را از آن خود کرد. صابر در لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۲۱، به عنوان هفتمین امتیازآور برتر و

ادامه یادداشت اول

درباره دیدار استاندار با وزیر کشور

■ با مسوولیت سر دبیر

در دیدار اخیر علی‌اصغر طهماسبی استاندار گلستان با اسکندر مومنی وزیر کشور، به بررسی مسائل توسعه‌ای این استان پرداخته شد. به نظر می‌رسد گلستان با داشتن ظرفیت‌های طبیعی و موقعیت مرزی خود، از پتانسیل‌های فراوانی برای پیشرفت برخوردار است. اما سوال اینجاست که آیا این ظرفیت‌ها صرفاً به عنوان یک شعار در سطح مقامات باقی می‌مانند یا واقعاً راه کارهای عملی برای بهره‌برداری از آن‌ها ارائه خواهد شد؟ بر اساس خبر منتشر شده از این دیدار، وزیر کشور در این دیدار ضمن تأکید بر آمادگی وزارت کشور برای پشتیبانی از برنامه‌های توسعه‌ای گلستان، اظهار داشت که استان می‌تواند به عنوان الگوی مدیریت متوازن منطقه‌ای شناخته شود. اما آیا در شرایط کنونی کشور، با توجه به بحران‌های اقتصادی و مدیریتی، چنین وعده‌هایی قابل تحقق هستند؟ وزیر کشور از رویکرد مسئله‌محور استان استقبال کرده است، اما این باید در عمل و در قالب برنامه‌های مشخص و زمان‌بندی شده نمایان شود. استاندار گلستان نیز در این نشست بر ضرورت هم‌افزایی ملی برای رفع چالش‌های زیرساختی استان و تسریع در پروژه‌های اولویت‌دار تأکید کرد. موضوعاتی چون ارتقای شاخص‌های امنیت اجتماعی و تقویت فرمانداری‌ها نیز از دیگر محورهای مورد بحث در این دیدار بودند. از

انتخابات اتحادیه چاپخانه‌داران استان بر گزار شد

رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران گفت: جای دارد پیش از هر چیزی، از هیئت اجرایی تشکر کنم که انتخابات اتحادیه چاپخانه‌داران استان را با تمام فراز و نشیب‌هایی که داشت، برگزار کردند. قطعاً با وجود همه مسائل، تمام عزیزیانی که تا امروز پای کار اتحادیه را گرفتند، دغدغه‌مند بودند. من نیز قصد خداحافظی از اتحادیه را داشتم. چرا که طبق قانون دیگر نمی‌توانستم به عضویت اتحادیه درآیم. اما دوستان شایسته دانستند که بیش‌تر در خدمت صنعت چاپ استان باشیم. وی در نهایت افزود: اهمیت صنف چاپخانه‌داران قدری است که جزوی از صنعت و اصناف دارای مجوز خاص به شمار می‌رود. اگرچه که تمامی اصناف قابل احترام هستند، اما در نظر بگیریم که در صورت نبود صنعت چاپ، هیچ کالایی در قفسه‌های فروشگاه‌ها جای نخواهد گرفت. چرا که چاپ لیبیل و بسته‌بندی آن‌ها بر عهده ماست. در واقع اعضای این صنف هم به کار فرهنگی، هم به کار صنعتی و هم به کار صنفی مشغول هستند.

غیر این صورت، قطعاً اتحادیه استانی چاپخانه‌داران دچار چالش خواهد شد. وی ادامه داد: همچنین کاندیداهای معترض به نتیجه این انتخابات ۳ روز فرصت دارند تا اعتراضشان را در سامانه به ثبت برسانند. چنانچه در این روند با مشکل رویه‌رو شدند، می‌توانند به اداره امور اصناف، واقع در خیابان شهید بهشتی مراجعه کنند. در صورت عدم ثبت اعتراض، اعتبارنامه اعضای منتخب صادر خواهد شد. محمد ذاکر زاده، رئیس اتاق اصناف گرگان عنوان کرد: بعد از فراز و نشیب‌هایی که طی شد، اعضای اتحادیه چاپخانه‌داران استان با اخذ ۸۸ رأی مشخص شد. امید می‌رود که همه اعضا اتحادیه دست به دست هم دهند تا رسالتی که بر عهده دارند را به نحو احسن انجام دهند. همچنین تمام شرکت‌کنندگان نیز با حمایت از بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اتحادیه نهایت همکاری با آن را داشته باشند. بنده نیز به نوبه خود برای اعضای سابق اتحادیه و اعضای فعلی آن آرزوی سلامتی و موفقیت دارم. حمید سلیمانی،

غزاله صیدانلو- رئیس اداره اصناف و تشکیل‌های صنعت و معدن و تجارت گفت: از مجموع ۱۴۹ نفر واجدین شرایط رأی‌دهی در انتخابات اتحادیه استانی چاپخانه داران، ۹۸ نفر در انتخابات شرکت کردند. در این بین، هیچ رأی باطله‌ای به صندوق انداخته نشد و به ترتیب آقایان حمید سلیمانی با اخذ ۸۸ رأی به عنوان رئیس، محمدرضا زاهدی با اخذ ۷۳ رأی به عنوان نایب‌رئیس و محمد منصوری با اخذ ۴۶ رأی به عنوان خزانه‌دار و جواد مشکاتی و منصور تجری سیاه‌مرزکوه هرکدام با اخذ ۱۲ و ۱۱ رأی به عنوان اعضای علی‌البدل اتحادیه انتخاب شدند. صبح سه‌شنبه، ۱۳ آبان ۱۴۰۴ مهلی عرب‌محبی پس از شمارش آرای انتخابات اتحادیه استانی چاپخانه‌داران استان اظهار داشت: اتحادیه استانی چاپخانه‌داران وظایف زیادی را بر عهده دارد. انتظار می‌رود تمام شرکت‌کنندگان و واجدین شرایط این انتخابات با قرارگیری در کنار اتحادیه منتخبشان بایستند تا به حفظ این اتحادیه و اعتلای آن یاری رسانند. در

ظرفیت‌های مرزی گلستان بستری برای جهش اقتصادی

گلستان را به قطب صادراتی شمال کشور تبدیل خواهد کرد. استان گلستان از نظر جغرافیایی در موقعیتی استثنایی قرار دارد و از شمال با ترکمنستان هم‌مرز است، از شرق به خراسان شمالی متصل می‌شود و از جنوب به سمنان و مازندران راه دارد که این موقعیت، گلستان را به شاهراه کریدور شمال-جنوب تبدیل کرده که ایران را به هند، روسیه و اروپا متصل می‌کند. در این راستا، منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه‌برون، واقع در ۴۰ کیلومتری گرگان و در بخش داشلی‌برون شهرستان گنبدکاووس، از توانایی بسیار زیادی برای نقش آفرینی در توسعه پایدار استان برخوردار است. این منطقه، با وسعت ۱۲ هزار و ۵۰۰ هکتار، تنها گمرک زمینی و ریلی گلستان است و دسترسی مستقیم به راه‌آهن سراسری دارد. از سوی دیگر، بخش صنعتی گلستان با تمرکز بر پتروشیمی، ماشین‌آلات معدنی و صنایع غذایی، پتانسیل هم‌افزایی با همسایگان را دارد. مجتمع پتروشیمی گلستان، در مجاورت اینچه‌برون، ظرفیت تولید ۱.۵ میلیون تن محصولات پتروشیمی را دارد و با اتصال به خطوط ریلی، صادرات به قزاقستان و ازبکستان را تسهیل می‌کند.



گلستان اظهار کرد: این استان، با منطقه آزاد اینچه‌برون، کریدور ریلی و جاده‌ای شمال-جنوب، و توانمندی‌های کشاورزی و صنعتی، می‌تواند به عنوان پیشران تجارت خارجی کشور عمل کند. وی افزود: توسعه زیرساخت‌های مرزی، از جمله تکمیل خط ریلی بجنورد-مشهد، تقویت بازارچه‌های مرزی و حمایت از تولیدات بومی مانند زعفران و محصولات دامی،

استان گلستان، با موقعیت استراتژیک مرزی و دسترسی به کریدورهای شمال-جنوب، از ظرفیت زیادی برای تبدیل به قطب تجارت و صادرات برخوردار است که نشست بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی استان‌های مرزی با حضور رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و جمعی از وزرا و استانداران از جمله علی‌اصغر طهماسبی استاندار گلستان، نقطه عطفی برای تبیین این پتانسیل و ترسیم نقشه راه بهره‌برداری از آن‌ها بود. به گزارش ایرنا، استان گلستان با ۴۵۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان، منطقه آزاد اینچه‌برون، توانمندی‌های کشاورزی نظیر زعفران و امانان و زیرساخت‌های صنعتی و ریلی، فرصتی استثنایی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی و توسعه پایدار فراهم می‌آورد. در نشست تخصصی بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های اقتصادی استان‌های مرزی که با هدف تمرکز بر تقویت تعاملات اقتصادی با کشورهای همسایه و تأمین پایدار کالاهای اساسی برگزار شد، استاندار گلستان، ظرفیت‌های کم‌نظیر استان در حوزه مرزی را تشریح کرد. علی‌اصغر طهماسبی در این جلسه با اشاره به موقعیت ژئوپلیتیک

خبر

برگزاری انتخابات در جبهه اصلاحات

با برگزاری انتخابات در مجمع عمومی جبهه اصلاحات استان گلستان، ترکیب جدید هیئت رئیسه این تشکل سیاسی برای سال جدید تعیین شد. در این انتخابات که عصر سه‌شنبه برگزار شد، محمدهادی بهزادیان با کسب اکثریت مطلق آرا به عنوان رئیس جبهه اصلاحات استان گلستان انتخاب شد. براساس نتایج اعلام‌شده: ۱- محمدحسین علی‌اصغری به عنوان نایب‌رئیس اول ۲- حسینقلی قوتلو به عنوان نایب‌رئیس دوم ۳- ابوالفضل احملی به عنوان دبیر جبهه اصلاحات استان برگزیده شدند.

همچنین مسئولان کمیته‌های تخصصی جبهه اصلاحات گلستان نیز به شرح زیر انتخاب شدند: ۱- کمیته سیاسی: محمدرضا قرائتی ۲- کمیته شهرستان‌ها: قربان طاشی ۳- کمیته رسانه: مهلی سیکلاره ۴- کمیته برنامه‌ریزی: امید شریفی ۵- کمیته پایش: مهلی شکی ۶- سخنگو: دکتر هاجر عامریان

قلم مهندس



از حق مسکن تا حق زندگی

بازخوانی مسئولیت حرفه‌ای و اجتماعی معماران در ساختن فضاهایی برای زیستن



حمیدرضا رزمی

در سال‌های اخیر، مفهوم «حق مسکن» بیش از هر زمان دیگری در فضای عمومی و حرفه‌ای ایران مطرح شده است. اما آنچه در میدان عمل مشاهده می‌شود، روایت متفاوتی است. هنوز هم نگاه غالب به مسکن، نگاهی کالبدی، کمی و پروژه محور است. آنچه غایب مانده، درک «کیفیت زیست انسانی» در بستر سکونت است. در عصری که بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بر کیفیت زندگی شهری سایه افکنده، مسکن باید فراتر از کالبد و مترآژ، به عنوان بستری برای زیست انسانی، تجربه اجتماعی و آرامش روانی بازتعریف شود. خانه نه فقط مأمن بدن، بلکه مأوای روح و روابط انسانی است. با وجود همه این‌ها، واقعیت جامعه امروز روایت متفاوتی ارائه می‌دهد. مسکن به جای آن که حق طبیعی

هر شهروند باشد، به کالایی لوکس و سرمایه‌ای بدل شده که شاخصی از منزلت اقتصادی است، نه کرامت انسانی. با این حال در چنین شرایطی، «حق مسکن» در سطحی صوری باقی مانده و به جای آن که معیاری برای عدالت فضایی باشد، به نشانه‌ای از نابرابری ساختاری تبدیل شده است. نسل جوان با رویای خانه دار شدن وداع کرده و شهرها به بازارهایی برای مبادله‌ی مترآژ، نه تعامل اجتماعی بدل شده‌اند. با وجود این داشتن سقف و دیوار، حق زیستن را تضمین نمی‌کند؛ زندگی واقعی فراتر از این است. هنگامی که سیاست‌گذاری‌های کلان و پروژه‌های ملی مسکن بدون توجه به مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و روان شناختی طراحی می‌شوند، آنچه ساخته می‌شود، صرفاً سازه‌هایی است برای بقاء، نه فضاهایی برای زندگی. خانه‌هایی از این دست انسان را به سکوت، انزوا و گسست از جمع سوق می‌دهند و مفهوم «محل» را به خاطره‌ای دور بدل می‌سازند. پژوهش‌های روان‌شناسی محیطی و مطالعات طراحی انسان محور، سال‌هاست بر رابطه‌ی میان کیفیت کالبدی فضا و کیفیت روانی زیست تأکید دارند. طراحی سازمان یافته‌ی فضا، نور طبیعی، تهویه‌ی مناسب، وجود فضاهای مشترک، مقیاس انسانی و نشانه‌های هویتی در محیط، تأثیری مستقیم بر سلامت روان، حس تعلق، تعاملات همسایگی و حتی رشد شناختی کودکان دارد. از سوی دیگر، فقدان این مؤلفه‌ها، فضا را به محیطی بی‌روح و جدا افتاده از تعاملات اجتماعی بدل می‌کند. پرسش بنیادین این است: چند واحد مسکونی ساخته شده و چند زندگی واقعی در آن جریان یافته است، آیا تعداد ساختمان‌ها با کیفیت زیست انسانی هم تراز است؟ بررسی‌های میدانی و تحلیلی نشان می‌دهد که بسیاری از پروژه‌های مسکن مهر و طرح‌های مشابه، با وجود رسیدن به شاخص‌های کمی، این پروژه‌ها از کیفیت زیست انسانی تهی‌اند. در این فضاها، حس تعلق تضعیف شده، روابط همسایگی از میان رفته و سرمایه اجتماعی به حداقل رسیده است. ما سال‌هاست میان «خانه‌سازی» و «زیست‌سازی» تفاوتی قائل نشده ایم و نادیده گرفته شده است. خانه‌سازی به معنی پر کردن زمین با واحد‌های مسکونی است، زیست‌سازی خلق محیطی است که تجربه انسانی و تعامل اجتماعی در آن

ممکن باشد و زندگی در آن جریان یابد. در غیاب نگاه سیستمی، شهر به کالبدی بی‌روح و آسیب‌زا تبدیل می‌شود که در آن، انسان فراموش شده‌ترین عنصر طراحی است. در چنین شرایطی، اهمیت و مسئولیت حرفه‌ای معماران بیش از هر زمان دیگری برجسته است. آنان صرفاً طراح بنا نیستند، بلکه پاسداران کیفیت زیست انسانی‌اند. تصمیمات طراحی از مقیاس جزئی‌ترین چیدمان فضا تا انتخاب مصالح، از نحوه‌ی شکل‌گیری فضاهای اشتراکی تا میزان نور و تهویه، همگی در شکل دهی به تجربه زیستن نقش دارند. هر تصمیم بی‌توجه به جایگاه انسان و کرامت انسانی، می‌تواند به افسردگی شهری، فرسایش روابط اجتماعی و زوال هویت جمعی بینجامد. بهرام شبیردل، معمار و مؤلف برجسته کشورمان، در اندیشه‌ای ژرف می‌گوید: «فکر من در معماری و شهرسازی، قابل انعطاف کردن فضاهاست، به گونه‌ای که پاسخگوی تفاوت‌های بی‌شماری باشد.» این سخن، امروز بیش از هر زمان دیگری در حوزه مسکن معنا می‌یابد. در شرایطی که طرح‌های ملی و انبوه‌سازی‌های شهری، اغلب با الگوهای تکراری و بی‌اعتنا به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شوند، انعطاف‌پذیری فضاها نه یک گزینه، بلکه ضرورتی برای تحقق حق زندگی در مسکن است. مسکن نباید نسخه‌ای یکسان برای همه‌ی زیست‌ها باشد؛ باید توانایی پاسخ‌گویی به تنوع سبک‌های زندگی، روابط خانوادگی، باورهای فرهنگی و نیازهای روانی انسان‌ها را داشته باشد. از همین رو، شاید زمان آن رسیده است که ما نیز «منشور ایرانی مسکن» خود را بازنویسی کنیم؛ منشوری که از دل جامعه برآید و در آن، اصول معماری، روان‌شناسی محیطی و عدالت فضایی در هم تنیده شوند. چنانچه طراحی و ساخت مسکن تنها مبتنی بر کمیت، سرعت و سود اقتصادی باشد و بدون شناخت از فرهنگ، روابط و نیازهای انسانی انجام شود، آنچه ساخته می‌شود پناهگاه است، نه خانه و مکانی برای اقامت، نه برای زیستن. آن بنا سرد، بی‌جان و تولیدکننده اضطراب، انزوا و گسست اجتماعی خواهد بود. این مسئله دیگر صرفاً چالشی فنی یا اقتصادی نیست؛ بلکه بحرانی فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی است که پیامدهای آن در رفتار، سلامت روان و سرمایه اجتماعی شهروندان مشهود است. هنگامی که

هویت بومی یک منطقه قربانی ظواهر نمایشی می‌شود یا روح هم‌زیستی و صمیمیت در اثر تقلید از الگوهای بی‌ریشه از میان می‌رود، معماری از رسالت اصلی خود فاصله می‌گیرد. رسالت معمار، در چنین بستری، فقط ساختن واحد‌های مسکونی نیست؛ بلکه خلق فضاهایی برای زیستن، ارتباط و تجربه انسانی است. فضاهایی که در آن، انسان دوباره به مرکز معنا بازگردد. معماری در ذات خود هنری اخلاق محور است و بناهایی که بدون لحاظ عدالت فضایی و نیازهای روانی و اجتماعی ساخته شوند، میراثی خیانت‌آمیز برای نسل‌های آینده‌اند. تا زمانی که معماری از بازتاب زندگی انسانی به تولید کالای ساختمانی تنزل یابد، از عدالت فضایی و آرامش روانی فاصله‌ای خطرناک خواهیم داشت. اینک زمان آن رسیده که معماران، طراحان شهری و مدیران کلان، از سطح «ساخت و ساز» به سطح «زیست‌سازی» ارتقا یابند. حق زیستن واقعی در مسکن تنها در پرتو همکاری و هم‌آفرینی میان معماران، سیاست‌گذاران و مردم تحقق می‌یابد. فرآیندی که عدالت فضایی، تاب‌آوری، تحلیل روانی و اقلیم‌گرایی در آن درهم تنیده باشد. برای ملموس‌تر شدن این معنا، می‌توان به یک روایت عبرت‌آموز اشاره داشت: روزی معمار از پنجره ساختمانی به بیرون چشم دوخت و دید ساکنان پشت دیوارها در سکوت تنها نشسته‌اند، هر ساختمان، مجموعه‌ای از واحد‌های مسکونی را در خود جای داده بود، اما هیچ تعامل اجتماعی‌ایی در آن‌ها جریان نداشت. ساختمان‌ها تنها مأوا بودند، نه مأمن واقعی. معمار به شاگردش گفت: «خانه اگر تنها سقف و دیوار باشد و سکوت و تنهایی بی‌آورد، خانه نیست؛ مأواست.» شاگرد پرسید: «پس خانه واقعی چیست؟» استاد لبخندی زد و پاسخ داد: «خانه جایی است که صدای زندگی در آن طنین انداز شود، همسایگان یکدیگر را بشناسند، کودکان در خیابان‌ها و فضاهای مشترک بازی کنند و هر فضا فرصتی برای تجربه انسانی، تعامل اجتماعی و تعلق به مکان باشد. مسئولیت ما فقط ساختن بنا نیست، مسئولیت ما ساختن زندگی است» و این همان جایی است که معماری، از حرفه به رسالت بدل می‌شود.

طراح معمار و مدرس دانشگاه

شهرداری و شورای اسلامی شهر، ظرفیت مدیریتی موجود در این نهادها را فرصت ارزشمندی برای گسترش فرهنگ مطالعه برشمرد. بزرگ‌تر بر ضرورت افزایش سرانه کتابخوانی و دسترسی علائمه مردم به منابع فرهنگی با برنامه‌ریزی دقیق و جذب منابع مالی تأکید کرد. رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی گنبدکاووس هم از رایگان بودن حق عضویت برای کودکان، معلولان، بازنشستگان، افراد بالای ۶۵ سال و سه دهک اول درآمدی در چهار کتابخانه عمومی شهرستان خبر داد. سیده‌زهرا نفی‌نسب تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی گنبدکاووس را حدود ۶ هزار نفر اعلام کرد و افزود: حق عضویت سالانه که از ۱۵ سال پیش بدون تغییر بوده، امسال برای سامان‌دهی منابع درآمدی به ۲ میلیون ریال افزایش یافته است.

آن محل اقدام خواهد کرد. شهردار گنبدکاووس هم در این نشست گفت: طی دو سال گذشته، این شهرداری بیشترین میزان پرداختی را به حوزه کتابخانه‌ها انجام داده و تنها در سال گذشته بیش از ۳۰ میلیارد ریال به حساب این نهاد واریز کرده است. امیرعلی لطیفی افزود: این شهر نباید در توسعه فرهنگی و کتابخانه‌ای از دیگر شهرها عقب بماند که در این راستا، پیش‌بینی مخزن کتاب و سالن مطالعه در فرهنگسرای در حال ساخت خیابان بعث انجام شد. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی فرماندار گنبدکاووس هم توسعه پایدار فرهنگی را در گرو توجه جدی به حوزه کتاب و کتابخوانی دانست و گفت: برای ارتقای شاخص‌های فرهنگی شهرستان، همه دستگاه‌ها باید همکاری کنند. نصرت بزرگر با قدردانی از حمایت‌های

گنبدکاووس با استناد به نص صریح قانون تشکیلات نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، افزود: انتظار توسعه و تجهیز کتابخانه‌های گلستان بدون تأمین این منابع، واقع‌بینانه نیست. وی بیان کرد: براساس آیین‌نامه اجرایی، ۳۰ درصد از مبالغ واریزی شهرداری‌ها باید به حساب انجمن کتابخانه‌های عمومی استان منتقل شود تا به عنوان صندوق حمایتی برای مناطق کم‌برخوردار مورد استفاده قرار گیرد. مدیرکل کتابخانه‌های عمومی گلستان همچنین از نبود کتابخانه عمومی در ۶ شهر استان خبر داد و بدون ذکر نام شهرها، اعلام کرد: در صورتی که شهرداری‌ها یا دستگاه‌های اجرایی ساختمانی مناسب با حداقل ۱۵ سال حق انتفاع در اختیار کتابخانه‌های عمومی استان قرار دهند، این اداره کل بلافاصله نسبت به تجهیز و افتتاح کتابخانه در

انتقادمدیرکل کتابخانه‌ها

از سهم نیم‌درصد شهرداری‌ها

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی گلستان با انتقاد از واریز تنها ۲۰ میلیارد ریال از ۳۶۰ میلیارد ریال سهم نیم‌درصد درآمد شهرداری‌های استان در سال جاری، تأکید کرد: پرداخت نیم‌درصد یک تکلیف قانونی است و شهرداری‌ها بدون استثنا مکلف به اجرای آن هستند. به گزارش روابط عمومی، آخوند عبدالله‌حی میرزاعلی در نشست انجمن کتابخانه‌های عمومی

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک کاردانی اینجانب مجتبی قاصدآبادی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۲۶۰۰۳۷۰۰۳ صادره از علی آبادکتول فارغ التحصیل در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر صادره از دانشکده فنی و حرفه‌ای امام علی(ع) کردکوی، مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشکده فنی و حرفه‌ای امام علی(ع) کردکوی تحویل بدهد.

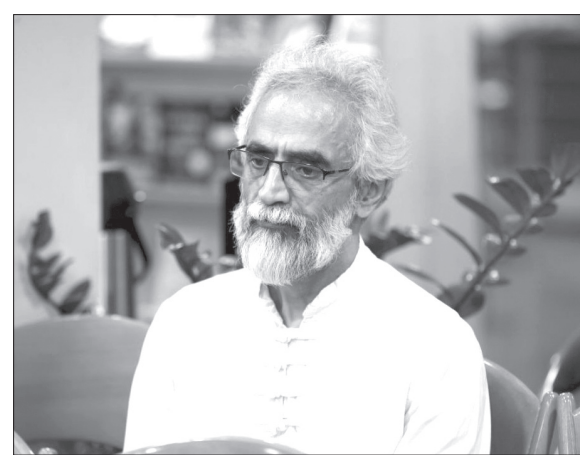
آدرس: استان گلستان- شهرستان کردکوی- بلوار دانشجو- دانشکده فنی و حرفه‌ای امام علی(ع) کردکوی
کدپستی: ۹۳۱۵۵-۴۸۸۱۸

گلشن مهج

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

گزارشی از یک هم اندیشی

چند فرهنگی



شکاف‌ها و گسل‌های قومی به دنبال راه‌حل‌هایی برای رسیدن به وحدت در عین کثرت هستند. آن‌ها بدون اینکه توجه کنند که حفظ وحدت در کثرت در ایران ریشه فکری عمیقی دارد، صرفاً با تأکید بر تمایزات قومی بر لزوم وحدت آنان بر اساس ترویج زندگی مسالمت‌آمیز، احقاق حقوق قومی و رواداری فرهنگی از طریق گسترش جامعه‌مدنی تأکید می‌کنند. در نگاه این افراد، ما مجموعه‌های متمایز فرهنگی و اقوام متفاوتی با مرزبندی‌های دقیق اجتماعی، فرهنگی، زادگاهی و سیاسی هستیم که آشتی دادن‌مان با یکدیگر نیازمند فرایندهای روادارانه و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. قائلان به این نظریه، اقوام و ساکنین نقاط مختلف ایران را بر اساس تفاوت‌ها و تمایزاتشان دسته‌بندی می‌کنند که با کنار هم قرار گرفتنشان، یک کل واحد شکل می‌گیرد. این نگاهی نادرست به ایران است که وابسته به فهمی ترجمه‌ای مبتنی بر عینک نظریات غربی شکل گرفته است. نظریه وحدت در کثرت یک نظریه ایرانی با قدمت هزارساله است. نظریه وحدت وجود حکمت متعالیه نظریه وحدت وجود را به اوج خودش می‌رساند. اما از این رو که با مطالعه نظریات غربی از فهم سنتی تاریخی‌مان فاصله گرفته‌ایم، فهمان از وحدت در کثرت نیز مکانیکی شده است. نقد من به چندفرهنگ‌گرایی در فهم مناسبات اجتماعی و فرهنگی ایرانیان از زاویه همین نظریه وحدت وجودی است. در واقع، در پاسخ به پرسش‌هایی که مطرح شد، نقطه اتکای فلسفی من حکمت متعالیه ملاحظه‌ر است. در ابتدا اشاره کنم که نظریه وحدت وجود در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و نمی‌توان گفت که از سوی فردی خاص مطرح شده است. در حکمت متعالیه با الگوی عمومی معقول‌سازی مشهودات عرفانی، به وحدت وجود سبقه‌ای عرفانی بخشیده شده و وحدت تشکیکی به وحدت تشخیصی وجود رسیده است. حاصل شدن چنین نظریه‌ای بی‌ارتباط با مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران نبوده است. ملاحظه‌ر به اصالت وجود معتقد است و ماهیت را امری اعتباری می‌داند. همچنین با تکیه بر اصل اشتراک معنوی، تشکیک در ماهیت را رد کرده و تشکیک در وجود را اثبات می‌کند. وی می‌گوید: حقیقت وجود در عین حال که دارای سنجی واحد است، درجات و مراتب مختلفی دارد که به آن نظریه وحدت تشکیکی وجود اطلاق می‌شود. وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت از همین نظریه تشکیکی بیرون می‌آید. ملاحظه‌ر می‌گوید مابه‌الختلاف عین مابه‌الاشتراك است و بالعکس این جمله بسیار مهم است. پس از ملاحظه‌ر این سنت تداوم پیدا کرد که بگویند ماهیات متکثر از وجودات غیرمتباین صادر می‌شوند. اینجا وجود متباین وجود ندارد. وی می‌گوید امر وجودی چه واجب و چه ممکن نه متباین، بلکه متفاوت هستند و این تفاوت ماهیات سبب تکثر می‌شود. در نگاه او، موجود ممکن عین‌الربط به واجب‌الوجود بالذات و شانی از شئون اوست. به همین جهت، نتیجه‌ی می‌گیرد که وجود مستقل یکی است و سایر وجودها شئونی از او هستند و استقلالی از خود ندارند. اگر واجب‌الوجود را حلف کنیم، سایر وجودها امکان ندارد که هویت مستقلی داشته باشند و پایدار بمانند. اما با حلف وجودهای ممکن، واجب‌الوجود در شئونی دیگر ظهور پیدا می‌کند. نزد ملاحظه‌ر وجود در عین تشخیص و تشخیص ذاتی اش

اقداماتی برای جلوگیری از سلطه اکثریت بر اقلیت و دیگری محدودیت درون گروهی به معنای کنترل قواعلی درون گروه‌های قومی که آزادی‌های فردی مورد قبول دولت لیبرال را محدود نکند. بحث وی به نظریه عدالت توزیعی استوار شده که می‌گوید: همان‌طور که عدالت ایجاد می‌کند ساختار اجتماعی برای برابری فرصت‌ها تنظیم شود، در جوامع چندفرهنگی نیز باید شرایط فرهنگی برابر فراهم شود. در غیر این صورت، اعضای اقلیت‌ها از دسترسی به فرصت‌های مناسب و برابر محروم می‌شوند. چارلز تیلور نیز از نظریه‌پردازان این قبیل نظریات است که از منظر فلسفه هرمنوتیک و اگزیستانسیالیسم تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان نیاز انسان به رسمیت‌شناسی را در سیاست را لحاظ کرد. در نظریه چندفرهنگ‌گرایی اصل بر وجود دیگرانی است که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نسبتی با یکدیگر ندارند. بلکه به لحاظ تاریخی، فرهنگی و اجتماعی غریبه هستند که به انتخاب یا به اجبار کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. مبنای چندفرهنگ‌گرایی تأکید بر وجود تمایزات و تفاوت‌های ریشه‌ای و به رسمیت شناختن آن‌هاست. چرا که این تفاوت‌ها و تمایزات می‌توانند مبنای منازعه و دشمنی قرار گیرند. افرادی که وضعیت ایران و استان‌های آن را با نظریه چندفرهنگ‌گرایی تحلیل می‌کنند، به سراغ همین موضوع می‌روند. متأسفانه به‌رغم وجود چنین مبنایی در لایه‌های نظریه چندفرهنگ‌گرایی، از این نظریه در مباحث، مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با ایران استفاده می‌شود. استفاده‌کنندگان از این نظریه بدون فهم مناسبات فرهنگی و اجتماعی ایرانیان در تلاش هستند تا تنوع اقوام و ساکنین ایران‌زمین را بر حسب تمایزات و تفاوت‌هایشان صورت‌بندی کنند. اما اینجا چندین پرسش جدی مطرح می‌شود. آیا ایران دولت-ملتی است که از کنار هم نشستن مهاجران ناهمگن شکل گرفته است؟ کدام مهاجران ناهمگن با فرهنگ‌ها و آداب متفاوت از سرزمین‌های گوناگون به ایران آمده‌اند؟ پاسخی برای این پرسش وجود ندارد. آیا اقوام نقاط مختلف ایران غریبه‌هایی از بوم‌های متفاوت و با مرزبندی‌های مشخص هستند؟ پرسش دوم، آیا می‌توانیم چنین مرزبندی‌های مشخص و تعریف‌شده‌ای بین بلوچ‌ها، سیستانی‌ها، گرگانی‌ها و ترکمن‌ها معین کنیم؟ چنین کاری امکان ندارد. البته این به معنای فقدان تفاوتی نیست. پرسش سوم، آیا تیره‌ها و ساکنین نقاط مختلف ایران دارای سوابق تاریخی و مناسبات اجتماعی و اسطوره‌ای متفاوت و متمایز هستند؟ آیا رستم و جمشید اسطوره‌های بخش خاصی از ایران هستند؟ آیا مغول‌ها تنها به یک نقطه ایران حمله کردند؟ پرسش چهارم، آیا نابرابری‌های اجتماعی در ایران ناشی از تفاوت‌های قومی و فرهنگ‌های گوناگون و متفاوتی است که در این سرزمین وجود دارد؟ پرسش پنجم، آیا در ایران چیزی تحت عنوان اقلیت‌های فرهنگی-آن‌گونه که در غرب گفته می‌شود - وجود دارد که بخواهیم برای احقاق حقوق آن‌ها ضمن حفظ هویتشان تأکید کنیم؟ البته این به هیچ عنوان به معنای نفی حفظ هویت محلی نیست. بلکه نقلی به نگاه چندفرهنگ‌گرایانه به جامعه ایران است. پرسش ششم، آیا اقوام و ساکنین ایران به لحاظ فرهنگی در طول تاریخ در تضاد و تعارض با یکدیگر بوده‌اند و این تضادها به سرکوب فرهنگی برخی از آنان ختم شده است؟ پرسش هفتم، آیا در ایران با یک اکثریت فرهنگی وابسته به دولت-ملت مواجه هستیم که نیاز به حفاظت از اقلیت‌ها داشته باشیم؟ پاسخ منفی به این پرسش‌ها بسیار سهل‌تر است. چندفرهنگ‌گرایان با تأکید بر تنوع قومی، بدون توجه به اینکه تمامی ایرانیان در نظام قومی جای نمی‌گیرند، به وجود فرهنگ‌های گوناگون اشاره می‌کنند و با اشاره به

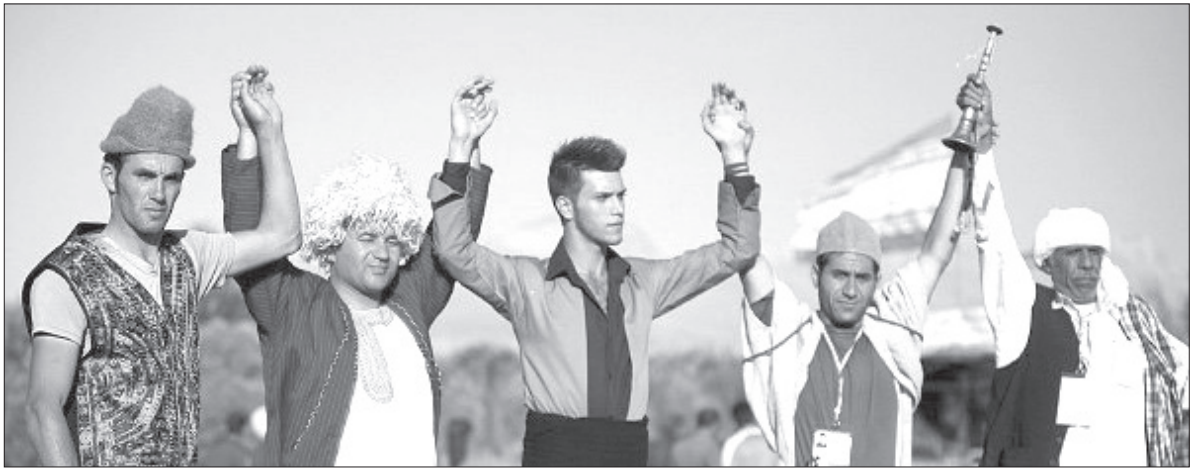
مهران مودنی-نهمین نشست از سلسله نشست‌های هم‌اندیشی مجازی صلح‌اندیشی در طبرستان تحت عنوان «چندفرهنگی‌گرایی در ایران و مساله گلستان» برگزار شد. دکتر حسین نوری‌نیا به عنوان سخنران این جلسه اینترنتی به بررسی پیشینه و خاستگاه چندفرهنگ‌گرایی پرداخت و ضمن بررسی فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جامعه ایران، نقدهایی جلی به نظریه‌پردازان و حامیان این نظریه در ایران وارد کرد. در ادامه نیز، جمعی از اساتید و پژوهشگران علوم اجتماعی به گفت‌وگو در همین باره پرداختند.

چندفرهنگ‌گرایی با ایران سازگار نیست

دکتر حسین نوری‌نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی به عنوان سخنران نشست، زمینه تاریخی شکل‌گیری نظریه چندفرهنگ‌گرایی و پیشینه تاریخی و اجتماعی ایران را به عنوان دو مقوله مجزا زیر ذره‌بین برد و گفت: چندفرهنگ‌گرایی به عنوان رویکردی اجتماعی و فرهنگی برآمده از جوامع مهاجرپذیری است که گروه‌های انسانی دارای فرهنگ مشترک و فاقد اشتراکات فرهنگی آن را شکل داده‌اند. وقتی از جوامع چندفرهنگی سخن به میان می‌آید، منظور جوامع ناهمگن است. به همین خاطر این نظریات در کشورهای رشد کردند که افرادی با تنوع فرهنگی، هویت‌های گوناگون و سوابق تاریخی و مناسبات اجتماعی متفاوت کنار یکدیگر نشستند. احساس غریبگی، عدم برخورداری از جایگاه و موقعیت شهروندی تا هنگام پذیرش رسمی، قرارگیری در بسترهای بازتولیدکننده انواع تبعیض مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی، نابرابری‌های اجتماعی بین مهاجران و ساکنان اصلی، تفاوت و حتی تعارض فرهنگی ناشی از مهاجرت‌ها، شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، احساس حضور غریبه‌ها و تصرف فضاهای عمومی از سوی آن‌ها، احساس برتری ساکنین پیشین نسبت به مهاجرها و در نتیجه بروز شکاف بسیار بین خود و دیگری از جمله مواردی هستند که در این جوامع به چشم می‌آیند.

به همین جهت، بی‌تفاوتی به تفاوت‌هایی که عمل‌تأثانی از مهاجرت هستند، می‌تواند مسائل حادی را برای این کشورها به همراه داشته باشد. ایجاد فضای مناسب برای پذیرش تنوع فرهنگی و ترویج رواداری، احترام به فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوت و حقوق اقلیت‌ها، مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی و ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت اجتماعی تمامی گروه‌های فرهنگی و در نهایت مدیریت این تنوع به ارائه نظریات چندفرهنگ‌گرایی انجامید. ویل کیملیکا یکی از نظریه‌پردازان این حوزه است که تلاش می‌کند دو امر به ظاهر متعارض را با هم سازگار کند: یکی آزادی و برابری فردی در سنت لیبرال و دیگری حقوق جمعی اقلیت‌های فرهنگی جهت حفظ هویتشان. از همین رو، او ابتدا اقلیت‌ها را از یکدیگر تفکیک می‌کند. گروه اول در دسته‌بندی او اقلیت‌های ملی هستند که فراتر از برابری‌های فردی، از حق خودگردانی فرهنگی و سیاسی برخوردارند. دیگری اقلیت‌های قومی مهاجر هستند که از حق و حقوق سازگاری فرهنگی برخوردارند. این امر به ایجاد فضایی برای حفظ هویت فرهنگی این اقلیت‌ها در چارچوب جامعه لیبرال مقصد می‌انجامد. توجه داشته باشید که چندفرهنگ‌گرایی مختص جوامع لیبرال است. در حالی که ما در ایران هنوز چنین جامعه‌ای نداریم. ویل کیملیکا برای حفظ تعادل میان آزادی فردی و هویت جمعی به دو نوع محدودیت اشاره می‌کند: یکی محدودیت برون‌گروهی به معنای

ریاتک فرهنگی



است که ایشان نظریه‌شان را مکتوب کنند تا بهتر نقد شود. اما یکی از نقدهای وارده به صحبت‌های ایشان این است که در علوم اجتماعی روش تحقیق مشخص است و باید بر اساس آزمون، مشاهده، پرسش‌نامه، کار میدانی و استقرا پیش برویم. ایشان بحثی فلسفی مطرح کردند تا یک پرسش جامعه‌شناختی را پاسخ دهند. ایشان به جای استقرا، به صورت قیاسی وارد بحث شدند. صحبت‌های ماصدرا اصلاً برای تبیین جامعه نبوده است، بلکه به سلوک فردی اختصاص دارد. عمده‌ترین اشکالی که به ماصدرا وارد شده، این است که نگاهی اجتماعی نداشته است. این را هم در نظر بگیریم که نگاه ماصدرا نه فقط درباره ایرانیان، بلکه درباره تمام بشر است.

جنبه‌های دیگر چندفرهنگ‌گرایی

دکتر خسرو قبادی، ریاست اسبق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی با ارائه تعریفی متفاوت از نظریه چندفرهنگ‌گرایی و عنوان کرد: به گمان من یک قیاس ناروا بین یک موضوع اجتماعی و یک بحث فلسفی صورت گرفت. مگر پشت تمام دولت‌های ملی نظریه ماصدرا بوده است؟ از این موضوع که بگذریم، فرهنگ ایران در طول زمان دستخوش تغییرات شده است. پس منظورمان از فرهنگ ثابت ایران چیست؟ با هجوم یونانیان، مغولان و ورود مدرنیته تغییرات بسیار زیادی حاصل شد. دیگر اینکه چندفرهنگی مسائل دیگری نیز دارد. چندفرهنگی در فلسفه علم نیز مطرح است. در این حوزه پرسپکتیویسم در مقابل پوزیتیویسم مطرح شد و عنوان کرد که هرکس از منظری به شناخت می‌رسد. از دل پرسپکتیویسم نیز چندفرهنگی به وجود آمد. برایان فی در کتاب فلسفه امروزین علوم اجتماعی با نگاه چندفرهنگی عنوان می‌کند که چندفرهنگی به دنبال انسجام فرهنگ است.

چندصدایی یک ظرفیت است

دکتر نوروز نیمروزی، رئیس گروه علوم اجتماعی دانشگاه گلستان با مثبت قلمداد کردن چندصدایی در استان گلستان گفت: شاید تعمیم یک بحث فلسفی به مباحث اجتماعی یک قیاس مع‌الفارق باشد. ما باید به واقعیت‌های جامعه توجه داشته باشیم. این وحلت وجود در عمل چقدر اجرا می‌شود؟ آیا همه اقوام هنگام تصمیم‌گیری یکسان دیده می‌شوند؟ اگرچه که خاستگاه نوعی از چندفرهنگ‌گرایی در کانادا بوده است، اما نمی‌توان کتمان کرد که چنین چیزی درباره همه انسان‌ها مصداق ندارد. نظریاتی که بر اساس تجربیات افراد در جوامع مختلف حاصل می‌شوند، این قابلیت را دارند که در جوامع دیگری نیز ضمن بومی‌سازی اجرا شود. تنوع فرهنگی در استان گلستان انکارنشدنی است. در عین وجود اشتراکات بین این اقوام، تفاوت‌ها و اختلافاتی نیز وجود دارد. به طور مثال، در نگاه و مواجهه اقوام متناسب با پیش‌زمینه‌های فرهنگی‌شان به تفکر مدرن. شایسته است که با پذیرفتن این تفاوت‌ها، این دغدغه را داشته باشیم که به سوی نوعی ناسیونالیسم قومی حرکت نکنیم تا به تفرقه‌افکنی ختم نشود. اگرچه که چنین خطری وجود دارد، اما این دلیل نمی‌شود که ما چندفرهنگی را نادیده بگیریم. چرا که چندصدایی در استان گلستان یک ظرفیت برای توانمندسازی است.

ما به عنوان پژوهشگر باید از اعضای این گروه‌ها بپرسیم که خودشان را در یک فرهنگ مادر متمایز می‌دانند یا خیر. همچنین باید با دیدن تفاوت‌ها به یک فهم مشترک برسیم.

جوامع بشری در ذات ناهمگن‌اند

دکتر کیقباد یزدانی، نویسنده و پژوهشگر در ادامه با پرداختن به شرایط فرهنگی ایران، به تفاوت‌های فرهنگی اقوام و پویایی فرهنگی جامعه ایران پرداخت و اظهار داشت: در فرمایشات دکتر نوری‌نیا، عبارت «گرایی» در لغت «چندفرهنگ‌گرایی» به این معناست که عده‌ای تمایل دارند جامعه‌ای که چندفرهنگی نیست را چندفرهنگی ببینند. در حالی که صحبت نه بر سر گرایش به چندفرهنگی، بلکه از وجود عینی فرهنگ‌های متفاوت یا به قول ایشان، خرده‌فرهنگ‌هاست. وجود آن‌ها سبب بروز چنین دیدگاهی می‌شود. اصطلاح همگن و ناهمگن نیز در سخنان ایشان مبهم است. ما حتی برای یک خانواده ۴ نفره هم نمی‌توانیم از واژه همگن استفاده کنیم. چه برسد به جامعه‌ای چندهزارساله که شاهد جابه‌جایی اقوام بوده است. این را هم در نظر بگیریم که ذات جوامع بشری ناهمگن است. البته ناهمگنی نه به معنای تعارض، بلکه به معنای تنوع است. ای نکته را هم فراموش نکنیم که تولید این مفاهیم در غرب سبب نشده که تنها در غرب کاربرد داشته باشند. ما از بسیاری از اختراعات و اکتشافات غربی‌ها استفاده کرده‌ایم. نمی‌توان به اعتبار چنین استدلالی این مفهوم را کنار گذاشت. بلکه می‌توان روی آن بحث کرد. همچنین دکتر نوری‌نیا این مسئله را مطرح کردند که آیا ایران یک دولت-ملت متشکل از اقوام مختلف است؟ من به صراحت می‌گویم که بله. با نگاه به تاریخ چندهزارساله ایران، می‌توانیم به این موضوع پی ببریم. آیا شما گمان می‌کنیم که جامعه ما از ۳ هزار سال پیش به همین شکل بوده است؟ یا اقوام مختلفی آمدند و رفتند؟ باید لشکرکشی‌های امپراتوری‌های ایرانی را هم در این قضاوت لحاظ کنیم. کشورها و ملت‌های دیگری در طول تاریخ وجود داشتند که به اجبار کنار یکدیگر قرار گرفتند. البته در طول هزاران سال اشتراکاتی پیدا کردند. اما این‌گونه برداشت نکنیم که تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی بین این گروه‌ها وجود ندارد. همچنین نباید ملیت و فرهنگ را خلط کنیم. این‌ها دو مفهوم متفاوت هستند که در مواردی ارتباط دارند. در نهایت باید بگویم که من نیز معتقدم در ایران با یک فرهنگ غالب روی‌رو هستیم. نگاه من به این موضوع مثبت و منفی نیست. من اعتقاد دارم فرهنگ، رسانه‌ها و نظام آموزشی ما بر زبان فارسی استوار هستند. در حالی که خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام بازنمایی در رسانه‌ها و نظام آموزشی ندارند. البته من شخصاً به ایران یکپارچه معتقدم. یکپارچگی در کثرت به وجود می‌آید و نه در وحدت اجباری.

علوم اجتماعی روشمند است

محمد منصورنژاد، عضو هیئت‌مدیره و مسئول کمیته دین‌پژوهی انجمن علمی مطالعات صلح ایران با تأکید بر روش‌مندی در مطالعه و نظریه‌پردازی در عرصه علوم اجتماعی گفت: نفی بحث چندفرهنگ‌گرایی در صحبت‌های دکتر نوری‌نیا دقیق و سنجیده صورت گرفت. اما نظریه‌پردازی‌های ایشان مغالطه‌اندر مغالطه بود. البته خوب

دارای مراتب مختلف می‌شود. اما این به معنای کثرت محض نیست. بلکه از سنخ کثرت سازگار با وحدت و وحدت سازگار با کثرت است. عرفاً وجود را واحد شخصی می‌دانستند که با وجود ذاتی ازلی همراه است و رو به ابدیت می‌رود. ماصدرا با تکیه بر این پیشینه بلند تاریخی و با در نظر داشتن مبحث علت و معلول، بر آن می‌شود که معلول فاقد ذات است و متصف به امکان نخواهد بود. از این جهت تنها شان برای آن باقی می‌ماند. ماصدرا کثرت در عالم را بالعرض و شائی از واحد حقیقی می‌داند. از همین رو، کثرت تنها اصل خودش را نشان می‌دهد و نه واحدهای حقیقی و مستقل دیگری را. به این نکته توجه کنیم که وحدت در وحدت وجود صفتی نیست که بر واحد عارض شود. بلکه عین واحد است و تنها یک جلوه وجودی دارد و آن وجود منبسط است. کثرات نمودهای بود و وجود هستند. از این رو، مراتب وجود به معنای سلسله‌مراتب وجود نیست، بلکه به معنای انواع تجلی و شئون و ظهورهای وجود است. از این جهت، به قول علامه طباطبایی وحدت وجود به ما هو وجود از سنخ وحدت عدلی نیست. یعنی با کثرت منافاتی ندارد. دکتر منوچهر آشتیانی که استاد خود من نیز بود در درس جامعه‌شناسی معرفت از قول سید جلال‌الدین آشتیانی بیان کرده بود که وحدت وجودی ماصدرا پاسخی است به ساختار جدید سیاسی و نظام اجتماعی فرهنگی ایران در دوران صفویه و رسیدن به وحدت سرزمینی پس از تشکیک یک دوره طولانی تا بگوید یک کل واحد به اسم ایران وجود دارد. ایران یک کل متکثر است و این تکثر وجودهای مستقلی نیستند. ایلات و طوایف جلوه‌ها و مظاهری از وجود یگانه متکثر و کثیر یگانه‌ای به نام ایران هستند. فرهنگ ایرانی یک کل واحد است که رفته‌رفته در طول قرون مختلف تعینات گوناگون به خود گرفته و کثرات مختلفی از او (کرد، لر، آذری، مازنی، لک، گیلک و...) زاده شده است. این کثرات تمام معانی و ویژگی‌های آن کل فرهنگی که ایران نام دارد را دارا هستند. به همین خاطر، نمی‌توان در استان گلستان بین ترکمن، بلوچ، گرگانی، مازنی، شاهرودی و سیستانی تمایز قائل شد. مایزات آنها نه وجودی، بلکه ما هوی هستند. این تمایزات مرزبنی‌های عمیقی ایجاد نمی‌کنند. تمام این گروه‌ها ایرانی هستند. اما چنین چیزی در کشوری مثل کانادا صلیق نمی‌کند. چرا که برخی ایرانی تبار، مکزیک‌ی تبار، پاکستانی تبار، چینی تبار، فرانسوی تبار و... هستند. نظریه چندفرهنگ‌گرایی این تبارها را کنار یکدیگر می‌نشانند. هنگامی که تنوعات خرده‌فرهنگی و پاره‌فرهنگی در ایران را به عنوان فرهنگ‌ها مطرح می‌کنیم، باید بتوانیم مرزهای دقیقی بین آن‌ها بکشیم که در این امر ناتوان هستیم. چرا که زادبوم مشترک همه آن‌ها ایران است.

تفاوت‌ها را نادیده نگیریم

دکتر پرنیا رضی‌پور، عضو پیوسته انجمن جامعه‌شناسی ایران با انتقاد از آنچه که «نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی» نامید، عنوان کرد: سخنان دکتر نوری‌نیا علی‌رغم اینکه وحدت‌بخش هستند، برخی ابهامات را نیز شامل می‌شوند. آیا همین نگاه تک‌فرهنگی یک افراط نیست؟ آن هم در عصر پسامدرن که جای دارد تمام تفاوت‌ها را بپذیریم. رسیدن به صلح به معنای درک تفاوت‌ها و نه حلف آن‌هاست. نمی‌توان صورت مسئله را برای حل مسئله پاک کرد. با در نظر نگرفتن تفاوت‌های فرهنگی، بخشی از واقعیت‌های اجتماعی کنار گذاشته می‌شود. این کار نه تنها التهاب اجتماعی را کاهش نمی‌دهد، بلکه خودش مسئله‌ساز است. در واقع تفاوت‌ها با کلمات دیگری پنهان می‌شوند. ابهام دیگری نیز وجود دارد. در گلستان اقوام مختلفی وجود دارند. دکتر نوری‌نیا معتقدند واژه چندفرهنگی در معنای multiculturalism از کشورهای مثل کانادا آمده است. اما آیا منشأ یک کلمه الزاماً نفی همان کلمه است و کاربرد آن را محدود می‌کند؟ آیا اگر در علم پزشکی روش‌های نوینی ارائه شود، ما باید به روش‌های سنتی خودمان بسنده کنیم؟ کامپیوتر، برق، اینترنت و حتی علومى مثل معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی و... از غرب آمده‌اند. آیا باید این‌ها را نفی کنیم؟ من یک تناقض می‌بینم. ایشان از طرفی می‌فرمایند که ما باید کلماتی مثل multiculturalism را رد کنیم. در حالی که از کلماتی مثل subculture را که از غرب آمده‌اند استفاده می‌کنند. مهم‌ترین نکته‌ای که باید درباره قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در نظر بگیریم، احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه است.

از جمع و دامن خضر و یعقوب مگریز و دوری نکن که امام علی (ع) می فرماید: دست خداوند بر سر جمع است و بهره‌یز از تفرقه و پراکندگی، زیرا کسی که از مردم گسسته گردد اسیر شیطان شود، چنان که گوسفندی که از گله جدا ماند طعمه گرگ شود. مولوی در جایی دیگر می گوید:

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی جوانی که احساس می کند باید خودش باشد راهش را انتخاب و تجربه نماید و از رجوع و پیروی از پدر و مادر و برادر و... با تجربه سرباز می زند بیشتر در معرض آسیب و چنگال و دندان تیز گرگ شیطان است. چرا که در جامعه گرگ صفات انسان نما زیاند و آماده دریدن بزه های شش ماهه اند. پس بهتر است دامن خضر راهنما را صادقانه بچسبید از مسیر حقیقت بیرون نرود تا دچار گرگ در کمین نشسته نگردد.

مثنوی پژوه

هم کج است و هم کوتاه و نمی توانی در دراز مدت مردم را بفریبی، پس بهتر است هم صداقت و راستی در پیش بگیری و هم دامن خضر و یعقوب و راهنما و لیدر و نخبه و یک هوشمند باتجربه در زندگی ات را بگیری و رها نکنی. راه رستگاری به عبارتی دو ویژگی دارد ۱- صادق بودن ۲- همراه خضر بودن- در زندگی ات اگه صداقت و راستی داشتی می توانی مورد اعتماد مردم قرار بگیری و نیز اگر از خضر و یعقوب که ممکن است پدر و مادر و یا همکار و بزرگ محل که در قالب یک انسان اندیشمند آگاه با تجربه و یا استاد فکر و اندیشه در زندگی معنوی و سیر و سلوک عرفانی است باشد، پیروی نمایی، قطعاً به رستگاری خواهی رسید. گرگ اغلب آنکھی گیرا بُرد کز رمه شیشک به خود تنها رود گرگ غالباً وقتی بزه شش ماهه را می گیرد که بزه از گله جدا شود و تنها برود. بزه گاهی سرخود به این طرف و آن طرف می رود و در این وقت است که گرگ می تواند او را بگیرد. پس ای سالک صادق

دیو گرگ است و تو همچو یوسفی

دامن یعقوب مگذار ای صفی ای پاک مرد، شیطان مانند گرگ است و تو مانند حضرت یوسف. دست از دامن یعقوب بر مدار. در اینجا یعقوب کنایه از راهنما و مرشد صالح است. یعنی از عنایت و هدایت او خارج مشو که اسیر شیطان و شیطان صفات خواهی شد بیت فوق مستفاد از این حدیث است: همانا شیطان، گرگ انسان است که گوسفند دور شده و جدا افتاده از گله را می گیرد.

یار شو تا یار ببینی بی عدد زآنکه بی یاران بماند بی مدد تو از روی صلیق و صفا یار حقیقت شو تا تعداد بی شماری از مردم یاور تو شوند زیرا بدون یاران هیچ کمکی به تو نمی رسد. یعنی اگر با صداقت وارد شدی بدان که از طرف مردم صدیق و خوب همراهی خواهی شد و اگر با دروغ و ریا بخواهی با مردم بر خورد کنی، ممکنه در کوتاه مدت که چهره ات برای مردم رو نشده، مورد حمایت قرار بگیری اما دیوار دروغ و ریا



راز رستگاری در مثنوی شریف



محمد رضا ایزد

فراموش کردن نام‌ها؛ چه باید کرد؟

پیامدهای اجتماعی فراموشی نام‌ها

فراموشی نام‌ها، فراتر از یک مسئله حافظه‌ای، پیامدهای اجتماعی نیز دارد. در موقعیت‌های رسمی یا کاری، فراموش کردن نام ممکن است برداشت منفی ایجاد کند و به عنوان نشانه‌ای از بی‌توجهی تلقی شود. در مقابل، در روابط صمیمی‌تر، معمولاً این فراموشی با لبخند یا شوخی جبران می‌شود و به فرصتی برای گفت‌وگو و نزدیکی بیشتر تبدیل می‌گردد.

فراموشی نام؛ فرصتی برای گفت‌وگو و تعامل بهتر

فراموشی نام نباید به اضطراب اجتماعی منجر شود. روان‌شناسان بر این باورند که انسان‌ها بیش از نام‌ها، به رفتار، زبان بدن و حس احترام متقابل واکنش نشان می‌دهند. وقتی در ارتباطی حضور ذهن، علاقه و احترام واقعی نشان دهیم، اهمیت نام کمتر می‌شود و معنا جای آن را می‌گیرد.

راهکارهای کلیدی برای تقویت حافظه و روابط اجتماعی

برای کاهش اثرات منفی فراموشی نام و تقویت روابط اجتماعی، چند راهکار کلیدی پیشنهاد می‌شود: *تمرین یادآوری روزانه نام‌ها (مرور فهرست تماس‌ها و تداعی چهره‌ها) *افزایش آگاهی از سبک یادگیری شخصی، شنیداری یا تصویری بودن *تقویت تعاملات عاطفی تا نام افراد با احساسات مثبت همراه شود. *پرهیز از سرزنش خود، چون استرس، تمرکز حافظه را تضعیف می‌کند *استفاده از لحظه فراموشی به عنوان فرصت گفت‌وگو

فراموشی نام‌ها؛ پنجره‌ای به روان انسان

در نهایت، فراموشی نام‌ها نه تنها ضعف ذهن نیست، بلکه پنجره‌ای است به سازوکارهای عمیق روان انسان. درک این پدیده ما را به شناخت دقیق‌تر خود و روابطمان می‌رساند. یادآوری نام‌ها شاید مهارتی کوچک باشد، اما در دنیای تعاملات انسانی، نشانه‌ای بزرگ از احترام، حضور ذهن و اهمیت متقابل است.



۳. یادداشت‌برداری ذهنی یا نوشتاری: پس از ملاقات، چند ثانیه زمان بگذارید تا نام را مرور کنید یا در گوشی بنویسید. ۴. تمرکز کامل در لحظه معرفی: از فکر کردن به پاسخ بعدی یا قضاوت ظاهری خودداری کنید و تنها بر شنیدن و تکرار تمرکز کنید. ۵. صداقت در فراموشی: اگر نام را فراموش کردید، با احترام دوباره بپرسید، این صداقت معمولاً صمیمیت بیشتری می‌آورد تا تظاهر به یادآوری.

حافظه اپیزودیک و ثبت نام‌ها در خاطره بلندمدت

مطالعه‌ی پایگاه علمی PMC نشان می‌دهد که حافظه اپیزودیک یا حافظه‌ی مربوط به رویدادهای شخصی، نقش حیاتی در یادآوری نام‌ها دارد. هرچه یک ملاقات از نظر احساسی یا تجربی معنادارتر باشد، احتمال ثبت نام در حافظه بلندمدت بیشتر است. به همین دلیل است که معمولاً نام کسانی را که گفت‌وگوی عمیق‌تری داشته‌ایم، راحت‌تر به یاد می‌آوریم.

احساس و تجربه‌ی تعامل توجه دارند. به بیان دیگر، ذهن‌شان برای درک عمق رابطه فعال است نه برای حفظ نام‌ها. افراد با این ویژگی‌ها معمولاً: *به جای تمرکز بر نام‌ها، بر احساسات و رفتار دیگران توجه دارند. *در لحظه زندگی می‌کنند و ذهن‌شان درگیر معنای گفت‌وگو است. *بیشتر از جزئیات تصویر کلی ارتباط را به خاطر می‌سپارند. *خود را برای فراموشی سرزنش نمی‌کنند.

تکنیک‌های ساده برای یادآوری نام‌ها

متخصصان حافظه تأکید می‌کنند که حفظ نام افراد، مهارتی آموختنی است. چند تکنیک ساده اما مؤثر عبارتند از: ۱. تکرار نام در لحظه معرفی: وقتی فردی نام خود را می‌گوید، آن را بلافاصله در پاسخ تکرار کنید تا در حافظه فعال ثبت شود. ۲. ساخت تداعی ذهنی: نام را با تصویری از ظاهر، صدا یا ویژگی خاص فرد پیوند دهید.

تصور کنید که با کسی ملاقات می‌کنید، لبخند می‌زنید و سلام می‌کنید، اما چند لحظه بعد نام او را فراموش می‌کنید. این اتفاق برای خیلی‌ها پیش می‌آید و نشان‌دهنده یک واقعیت جالب درباره ذهن ماست. گاهی فراموش کردن نام‌ها به این معناست که ما بیشتر به احساسات و معانی افراد توجه داریم تا به جزئیات. اگر این موضوع را درک کنیم، می‌توانیم ارتباطات انسانی بهتری برقرار کنیم. به گزارش ایرنا زندگی، تقریباً همه ما تجربه کرده‌ایم که با شخصی ملاقات می‌کنیم، لبخند می‌زنیم، گفت‌وگو می‌کنیم، اما تنها چند لحظه بعد، نام او از ذهن مان پاک می‌شود. این اتفاق شاید ساده به نظر برسد، اما روان‌شناسان معتقدند فراموشی نام‌ها تنها یک خطای حافظه نیست؛ بلکه نشانه‌ای از سبک شناختی، تمرکز ذهنی و حتی نحوه ارزش‌گذاری ما به روابط انسانی است. براساس تحقیقات و مقالات منتشرشده در سایت‌های ResearchGate، Artful Parent، Psychology Today و پایگاه PMC، می‌توان راه‌های یادسپاری نام‌ها را بررسی کرد و به شما آموزش داد.

پیوند حافظه و روابط انسانی

حافظه ما دربرای دیگران پیام‌های اجتماعی مهمی را منتقل می‌کند. وقتی نام فردی را به خاطر می‌سپاریم، ناخودآگاه به او احساس اهمیت می‌دهیم، و زمانی که آن را فراموش می‌کنیم، ممکن است این پیام را بلهیم که حضور او برای ما چندان معنادار نبوده است. بنابراین، حافظه و روابط اجتماعی در پیوندی ظریف و دوطرفه قرار دارند؛ حافظه فقط ذخیره‌گاه اطلاعات نیست، بلکه نوعی زبان خاموش ارتباط انسانی است.

چرا برخی افراد نام‌ها را راحت‌تر فراموش می‌کنند؟

در تحلیلی روان‌شناختی به ۹ ویژگی شخصیتی اشاره می‌شود که معمولاً در افرادی با این ویژگی دیده می‌شود. این افراد اغلب خلاق، متفکر و در لحظه زندگی می‌کنند. آن‌ها به جای تمرکز بر واژه‌ها و جزئیات لفظی، بیشتر به معنا،